

«به نام هستی آفرین»

# کنش متقابل نمادی بلومر

نام :مدرس  
علی احمد الفتی

کارشناسی ارشد  
رشته علوم اجتماعی { جامعه شناسی }

## مقدمه :

نظریه کنش متقابل نمادی، نظریه ای است که بر اهمیت ارتباطات نمادین یعنی ژست ها و مهمتر از همه زبان در رشد فرد، گروه و جامعه تأکید می کند. ظرفیت هر انسانی برای استفاده از ارتباطات نمادین منحصر به فرد می باشد.

«نماد» مفهومی است که در این نظریه اهمیت می یابد. نماد یک معنی یا واقعه ای است که معنایش را از ماهیت چیزی که بدان متصل است، نمی گیرد؛ بلکه معنای نماد توسط توافق مردمی که در ارتباطات خود از آن استفاده می کنند، حاصل می شود.

کنش متقابل نمادی عمدتاً به تحلیل وضعیت های چهره به چهره می پردازد، برای مثال: وقتی مردم در حال خواندن کتاب، کشیدن نقاشی، تبعیت یا عدم تبعیت در علائم راهنمایی و رانندگی و یا انجام بازی ویدئویی هستند، درگیر کنش متقابل نمادی می باشند.

به طور خلاصه کنش متقابل نمادی بر اهمیت ارتباط نمادین یعنی انواع اداها، اطوارها، نمادها و مهمتر از همه زبان تأکید می کند.

این ارتباطات نمادین در واقع در رشد فرد، گروه و جامعه نقش کلیدی دارد. بنابراین برای درک کنش متقابل نمادی، پژوهشگران می باید هم فعالیت های قابل مشاهده و هم فعالیت های غیر قابل مشاهده (مثل افکار) مردم را مطالعه کنند.

نظریه کنش متقابل نمادی بر این مسئله متمرکز شده است که مردم چه معنایی را برای کنش متقابل با دیگران یافته اند، چگونه این معانی ایجاد شده اند و چگونه دیگران به این معانی پاسخ می دهند، چگونه افراد با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند، در جریان کنش و واکنش چگونه پاسخ مناسب نسبت به یکدیگر تولید می شود و چگونه مردم دنیای اطرافشان را معنادار می سازند. نظریه پردازان کنش متقابل نمادی معتقدند که انسانها در فراگرد اجتماعی شدن نقشی فعال ایفا می کنند و به خاطر توانایی اندیشیدن و باز اندیشی ذهنی، هر آنچه راکه در این فراگرد آموزشی کسب می کنند در بیت نمی پذیرند. بلکه بر حسب موقعیت و مصالح زمانی و مکانی در این فراگرد دخل و تصرف می کنند و سعی می کنند اطلاعات و داده های بدست آمده در این فراگرد را شکل جدیدی ببخشند تا آنها را با نیازهایشان سازگار سازند.

### زندگینامه:

«بلومر معلمی مشوق، نویسنده ای متعهد، مدیری باهوش، شخصیتی فرمند، و متفکری عمیق بود. وی ارائه کننده یکی از شاخص ترین سنت های جامعه شناسی - یعنی تعامل گرایی نمادین است. محرک بلومر ناخشنودی وی از بسیاری از عرف های جامعه شناختی روزگارش

بوده و لذا در پی تدوین و پرداخت نگرش انسان باورانه و عمل گرایانه ی خاص خود برآمده نگرشی که به «تعامل گرایی نمادین» معروف شد.

خواست قلبی بلومر پیشرفت جامعه شناسی بود و برای انجام این کار قبای یک منتقد دائمی را به تن کرده بود. او با اندازه گیری بدون تفکر و نیز با نظریه انتزاعی مبهم و نامفهوم مخالف بود. بلومر معلم بزرگ خود، جورج هربرت مید که یک عمل گرای فلسفی بود را تحسین می کرد و این امر به وضوح منشأ علاقه و دلبستگی بعدی او شد بلومر در جلسات سخنرانی مید شرکت می کرد به انتشار این سخنرانی ها پس از مرگ او کمک کرد و در طول سالهای پس از مرگ مید مبلغ جامعه شناسی وی شد.

منشأ دیگر علاقه و دلبستگی بلومر به طور کلی مربوط به این موضوع است که وی عضوی از جامعه شناسی مکتب شیکاگو به شمار آمد. او در این دانشگاه تحصیل و دکترای خود را در ۱۹۲۸ از آنجا اخذ کرد. از ۱۹۳۱ همان جا به تدریس پرداخت. و تا ۱۹۵۳ که آنجا را ترک کرد تا ریاست بخش جامعه شناسی دانشگاه کالیفرنیا در برکلی را بر عهده گیرد، این میراث را با خود همراه کرد.<sup>۱</sup>

«بلومر پس از فارغ التحصیلی عملاً از سال ۱۹۳۰ وارد عرصه جامعه شناسی شد و یکی از معروف ترین چهره های جامعه شناسی آمریکا به شمار می آورد. وی در سال ۱۹۳۹ طی یک سخنرانی برای اولین بار مکتب خویش را با نامگذاری جدید کنش متقابل گرایی، نمادی معرفی و پایه گذاری کرد.

---

<sup>۱</sup> استونر، راب - متفکران بزرگ جامعه شناسی - ترجمه مهرداد میردامادی - چاپ دوم ۱۳۸۱ - تهران نشر مرکز - ص ۱۳۰ و ص ۱۳۱

بلومر تا سال ۱۹۸۰ بیش از هفتاد مقاله علمی متفاوت در زمینه جامعه‌شناسی منتشر می‌کند و در سال ۱۹۶۹ مهمترین کتاب خود را تحت عنوان «چشم انداز و روش کنش متقابل گرایي نمادی» به چاپ می‌رساند. او علاوه بر دارا بودن عنوان پرفسور برجسته، دارای دکتری افتخاری در علوم، کرسی استادی در دانشگاه‌های شیکاگو و برکلی بوده و تا سال ۱۹۶۱ ریاست مؤسسه علوم اجتماعی در دانشگاه برکلی را عهده دار بوده است. هم چنین اولین کسی که در پهنه علم جامعه‌شناسی رسماً با جامعه‌شناسی عواملی به مخالفت پرداخت بلومر بود.<sup>۱</sup> او معتقد بود در علوم اجتماعی هیچ چیز تعیین کننده‌ای در مورد رفتار انسان نمی‌توان یافت.<sup>۲</sup> «بلومر دیدگاهی را برای نگرستن به جهان، به جامعه‌شناسی ارائه می‌کند که بر بسیاری از مطالعات و تحقیقات: از بیماری و مرگ گرفته تا اشتغال و تعامل داخل کلاس درس، از جنبش‌های اجتماعی و رفتارهای جمعی تا الگودهی و سازمان دهی و مشکلات اجتماعی اثر گذاشته است. توجه گسترده‌ی بلومر نسبت به جهان تجربی و ارائه یک روش‌شناسی دقیق برای کند و کاو و بررسی آن باعث هدایت و راهنمایی جامعه‌شناسان بسیاری شده است.

بلومر، جامعه‌شناسی متعلق به قرن بیستم بود. تأثیرات وی - عمدتاً بدلیل پایه‌گذاری نظریه تعامل گرایی نمادی - بسیار گسترده بوده است. وی اگرچه نویسنده و محقق پر کار نبود اما به واسطه جهان‌نگری خاص خود نسلی از جامعه‌شناسان را تربیت کرد. وی میراث عمل گرایی را به همه‌ی آنها انتقال داد.<sup>۳</sup>

---

<sup>۲</sup> تنهایی، حسین ابوالحسن - درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی - چاپ سوم - نشر مرنديز - ۱۳۷۷ - ص ۴۵۳

<sup>۳</sup> استونز، راب - متفکران بزرگ جامعه‌شناسی - ترجمه مهرداد میردامادی - چاپ دوم ۱۳۸۱ - تهران نشر مرکز - ص ۱۴۵

«در حقیقت آنچه بلومر طرح کرد باعث شد که مفاهیم تفسیری در جامعه شناسی آمریکا و اروپا جان تازه ای بگیرد و هدف و مسیر اصلی خود را بازیابد و راههای تازه ای فراسوی خود پیدا نماید. این بویژه به نوع تفسیر وی از تجربه باز می گردد.»<sup>۴</sup>

### هستی شناسی :

«بلومر در مقدمه کتاب خود چشم انداز و روش کنش متقابل گرایی نمادی به بیان مطالب اساسی کنش متقابل نمادین پرداخته است و سه قضیه مهم را از یکدیگر تفکیک می کند:

---

<sup>۴</sup> تنهایی ، حسین ابوالحسن - درآمدی بر مکاتب و نظریه های جامعه شناسی - چاپ سوم - نشر مرنديز - ۱۳۷۷ -  
ص ۲۴۵

قضیه اول: جهانی که انسانها در رابطه متقابل با آن است اعم از درونی یا برونی جهان اعیان است. یعنی جهان عبارت از کلیه چیزهایی است که برای انسان قابل فهم بوده و دارای معنا می باشد. معانی ای که انسان می تواند به آنها اشاره کند و بر اساس آن اشارات رابطه برقرار نماید. بنابر قضیه اول ، بلومر بر آن است که نمی توان چیزی را در دنیا پیدا نمود که خارج از سه مقوله اعیان باشد به عبارت دیگر هیچ گاه نمی توان چیزی را در دنیا یافت که قابل معنا و اشاره نباشد.

قضیه دوم: در این قضیه بلومر سعی دارد به این سؤال که منشأ معانی اعیان کجاست؟ پاسخ گوید: آیا از ذات اشیاء تراوش می کند و یا از ذهن انسان آیا انسان از بدو تولد حامل معانی است. بنابراین انسان هر آنچه را که می آموزد و برایش معنا دار می شود، در روابط اخذ می کند.

در این قضیه است که بلومر موضع خویشتن ، یعنی عمل گرایی را در برابر دو مکتب متداول فلسفی واقع گرایی و پندارگرایی مقدار می دهد.

قضیه سوم: این قضیه وجه تفسیرگرایی بلومر را نشان می دهد. همان گونه که گفتیم مکاتب عوامل گرایی بر آنند که علل و عوامل، و انگیزه های بیرونی یا درونی انسان را تحت «تعیین» قرار داده و سبب می شود که او تحت شرایط خاصی پاسخ مشخصی که از قبل قابل پیش بینی است را از خود نشان می دهد. مثلاً بنابر باور رفتار گرایان هر گاه شوکی درآورد به موشی وارد کنیم، آن موش رفتار خاصی بروز می دهد. در مورد انسان نیز مسئله به همین صورت است. بنابراین انسان موجودی است که وقتی در برابر موقعیت قرار می گیرد، آن موقعیت را تفسیر می کند و سپس بر اساس تحلیل و تفسیر از موقعیت و معانی ای که به خویشتن خویش اشاره نموده ، دست به کنش و نه واکنش می زند.

بدین معنا بلومر انسان را موجودی مفسر و دریابنده ی معانی و نیز در خطر سقوط به مقام موجودی حیوانی و نا نمادی می داند. نتایجی که بلومر از این سه قضیه می گیرد، مبنایی می شود برای تشکیل نظریات وی که در زمینه های مختلف جامعه شناسی و روانشناسی اجتماعی<sup>۵</sup>.

«واژه کنش متقابل اجتماعی به معانی متفاوتی توسط جامعه شناسان دیگر مکاتب نیز به کار رفته است. برخی این کنش را میان عناصر اجتماعی تلقی می کنند، که در میان انسانها نیز واسطه و یا کانالی است که توسط عناصر در حال تأثیر و تأثر، احاطه شده و تحت تسلط آن قرار دارد.

تأثیرات متقابل اجتماعی میان نقش اجتماعی و مثلاً ساخت اقتدار در یک جامعه، که در فرآیند آن انسان نیز اجتماعی شده و تحت تأثیر قرار می گیرد معنایی است که بلومر نه تنها از آن غفلت ندارد، بلکه در جای خود، بدرستی و دقت آن می پردازد؛ ولی این معنایی نیست که وی از کنش اجتماعی در نظر دارد.

مکتب کنش متقابل گرای نمادی خود را موظف به مطالعه ی همین محتوا، یعنی کنش متقابل انسان می داند که جوهر اساسی هر کدام از مفاهیم فوق است و کنش متقابل اجتماعی نه در میان اشکال که میان کنشگران است.

پس فعالیتهای چند وجهی و همه جانبه ی بشری که در کنش متقابل اجتماعی انسان رخ می دهد ماهیت اساسی جامعه و یا گروه اجتماعی است. به دیگر سخن، فعالیتهای و کنش های متقابل اجتماعی انسان به عنوان فرایندی پیش رونده که بیان کننده و شالوده ی ساخت و یا سازمان اجتماعی است و نه قالب کنش در آن ماهیت جامعه را می سازد. بنابراین تأکید این

---

<sup>۵</sup> همان - ص ۴۴۶ و ص ۴۴۷ و ص ۴۵۰



مکتب بر اهمیت مطالعه کنش به معنی غفلت از ساخت، سازمان فرهنگ و ... نیست. بنابراین کنش متقابل نمادی عبارت از فرایندی است که هر فرد در آن با آگاهی و تفسیرگری دخالت کرده و با توجه به کنش دیگران و تفسیر خویشتن، کنش خویش را آگاهانه می سازد. بلومر معتقد است که کنش سازی انسان در فرآیند کنش متقابل اجتماعی شامل کنش متقابل دو نفر، و یا دو گروه و یا دو ساخت است که در خلال کنش متقابل اجتماعی تکمیل کنش هم می گردند. به گونه ای که هر دو به نحوی متناسب موفق به تشکیل کنش اجتماعی خویش می شوند که از نظر دو گروه متقابل قابل فهم است. به همین دلیل کنش متقابل اجتماعی است. این کنش اجتماعی توسط هر دو گروه فهمیده می شود و مبنای روابط و ساخت اجتماعی را پی می ریزد. بلومر بنابر همین خصلت سازندگی کنش متقابل، زندگی انسان یا ماهیت جامعه را عبارت از کنش متقابل اجتماعی می داند و کنش متقابل اجتماعی را عبارت از فرایند شکل دهنده کنش و سلوک اجتماعی تلقی می کند.<sup>۶</sup>

### روش شناسی:

«روش شناسی بلومر تا اندازه ای شبیه کار جان دیوی است. یعنی هم در جریان مراحل تحقیق و هم در برخورد با مسائل فلسفی و تئوریک شبیه هم می باشند. از نظر بلومر ماهیت روش

---

<sup>۶</sup> تنهایی، حسین ابوالحسن - درآمدی بر مکاتب و نظریه های جامعه شناسی - چاپ سوم - نشر مرنديز - ۱۳۷۷ - ص ۴۵۲ و ۴۵۱

تحقیق و روش شناسی علمی این است که ما بتوانیم جهان را در غالب مفاهیم معناداری قرار داده و بفهمیم.

اولین و مهمترین قضیه در روش شناسی بلومر بررسی و مطالعه جهان تجربی است اما منظور ما از تجربه آن چیزی نیست که پوزیتیویستها از آن مد نظر دارند، بلکه آن جهانی است که انسان در آن دائماً در حال برخورد و رویارویی است و در تمام این مراحل اعتقاد و تقید به واقعیت از جمله مسائل غیر قابل انکار است.

واقعیت در علوم از نظر بلومر فقط در دنیای تجربی وجود دارد، ولی دنیای تجربی به معنای انحصاراً تجربه آزمایشی نیست.

پس مبنای کار روش شناختی بلومر نوعی رئالیسم یا واقع گرایی است اما نه به شکل متداول آن. نوعی از واقع گرایی وحدت وجود گرایانه که در حقیقت تقید به الگوهای شناخته شده افراد ندارد، بلکه به قول گوروچ متکی بر تجربه ی نو به نو می باشد و به همین دلیل باید همیشه به دنبال تجربه های روز به روز و نو به نو بود.

این واقعیت لجوج و سرسخت مهمترین نشانه ی علاقه و توجه بلومر به مبانی واقع گرایی روش شناختی است که در نظام چشم اندازی وی در قالب جدید طبیعت گرایانه نمودار می شود. پس علم تجربی است ولی نه به معنای تجربه ی پوزیتیویستی که تنها منحصر به علوم طبیعی می باشد. بلومر هشدار می دهد که مطالعات ما در تاریخ علوم نشان می دهد که واقعیت جهان تجربی به معنای واقعیت حالا و آنجا و یا اینجا است.

خاصیت علم نسبی بودن آن و تقید دقیق آن به واقعیت های قابل بررسی و در دسترس بودن آنان است.

اگر ما نتیجه تحقیقاتی را کسب کرده و از آن یک مدل ساخته و سعی داشته باشیم که تمام جهان را با آن مدل توضیح دهیم، در حقیقت مواجه با اصول و دکترین های نظری شده ایم که به جدایی و دور شدن از اصول علوم و جهان تجربی منجر می شود. مفاهیم موجب می شود تا درک ما از واقعیت جهان تجربی ممکن شود. بنابراین نخستین کارکرد مفاهیم، ارائه ی زمینه ای برای سوگیری محقق، و یا انسان عامی، برای پیگیری موضوع مورد مطالعه اوست، سوگیری ای مبتنی بر درک ابتدایی و شخصی از جهان تجربی، مفاهیم معانی و محتوای ادراک شده ای دارند که می توانند به ادراک مشترک برسند.

مفاهیم همچنین مقوله هایی هستند که معرف جنبه ی نمادین جهان تجربی اند. بلومر معتقد است که تشکیل علم، و نیز کنش اجتماعی به مدد مفاهیم ممکن می شود. بدین معنا که مفاهیم، هدایت کننده انسان به واقعیت خارجی در جهان تجربی هستند.<sup>۷</sup>

## ایستائی شناسی اجتماعی:

---

<sup>۷</sup> همان - ص ۴۵۸ - ص ۴۶۰ و ص ۴۶۳

«جامعه پذیری از نظر تفسیرگراها تنها یک قسمت از فرایند اجتماعی شدن است. فرایند جامعه پذیری یا یادگیری از نظر بلومر در حقیقت به معنای یکی شدن و یا ذوب شدن و جا افتادن در جامعه کلان است و تنها بعد از جامعه پذیری است که فرایند اجتماعی شدن می تواند رخ دهد. بنابراین موضوع کنش متقابل نمادی، تأکید بر جامعیت و تمامیت سازمان اجتماعی و یا مجموعه ی سازمان یافته اجتماعی است. کنش پیوسته عبارت از اشکال جمعی بزرگ کنش است که به هیچ روی تقسیم پذیر به اجزاء و یا تحول پذیر به اشکال و یا واقعیت‌های اجزاء تشکیل دهنده ی آن نیست.

پس در حالت‌های ایستائی شناسی ما با این مجموعه ها سر و کار داریم. تمام اجزای ذوب شده شکل ساختار مجموعه کلی را گرفته و دیگر جایی برای فردیت گرایی دیده نمی شود. بلومر علت نفهمیدن کنش متقابل نمادی را در این می داند که اغلب دانشجویان علوم اجتماعی مفهوم کنش پیوسته را دریافته اند.

کنش متقابل نمادی بر این مهم تأکید دارد که هم کنش متقابل افراد و هم ساخت اجتماعی که کنش در آن رخ می دهد هر دو اجزایی غیر قابل انفکاک می باشند ولی اصالت و اهمیت با محتوا یا معنی کنش است.

درست است ما در جامعه زندگی می کنیم و در بند شرایط اجتماعی گرفتاریم و از فشار آن متأثر اما آنچه نقش تعیین کننده دارد کنش انسان است.

قوانین ایستائی شناسی عوامل گرایی افرادی چون مرتن ، دورکیم ، کنت ایستانگرانه است ولی مارکس و اسپنر گاهی نوسانی در نظراتشان مشاهده می شود. در این میان وبر نسبت به بقیه بهتر است. اما بلومر کاملاً پویانگرانه است. به دلیل اینکه از نظر وی انسان کنشگر و تفسیرگر می باشد.

ایستاشناسی بلومر رامی توان در سه سطح عمده مطالعه کرد: یکی سطح خرد یا مطالعه گروههای چند نفره، غیر رسمی و چهره به چهره است.

دیگری سطح مطالعه ی جمعیت ها و جماعت ها است که در سطح میانی رخ می دهد و مطالعه جمعیت ها و جماعات را مد نظر قرار می دهد. سطح سوم مطالعات، مطالعات جوامع در سطح کلان و تحولات آنها از انواع جوامع ابتدائی به سنتی و صنعتی یا جدید می باشد.<sup>۸</sup>

«کنش پیوسته عبارت از اشکال جمعی بزرگ کنش است که به هیچ روی تقسیم پذیر به اجزاء و یا تحول پذیر به اشکال و یا واقعیتهای اجزاء تشکیل دهنده آن نیست. این شکل جمعی کنش اجتماعی می تواند از کوچکترین و ساده ترین روابط دو سوئی شروع شود و تمام اشکال پیچیده ی کنش ها را در نهادها و یا سازمانهای بزرگ در بر گیرد.

کنش پیوسته و یا جامعه کنشمند نشانگر چند خصلت عمده است که مطالعات جامعه از نظر بلومر در سطوح متفاوت خرد و کلان در حالتیهای ایستائی شناسی و پویائی شناسی بایستی بدان ها توجهی دقیق داشته باشند و این خصائص پنج گانه عبارتند از:

- ۱- ماهیت جامعه کنشمند و یا کنش پیوسته، عبارت از فرایندی پیش رونده از کنش اجتماعی است. فرایند کنش می بایستی از صورت ساختی روابط اجتماعی تمیز داده شود.
- ۲- نکته دوم به نظر بلومر که بسیاری از درک آن غفلت ورزیده اند این است که مفهوم کنش بایستی به معنای بهم پیوستگی کنش درک شود و نه کنش های منفرد و پراکنده. درک کنش به معنای بهم پیوستگی، یا کنش پیوسته، ضرورت اجتناب ناپذیر درک روابط ساختی میان دو نفر جمعیت ها و یا سازمانهای اجتماعی است.

---

<sup>۸</sup> همان - ص ۴۷۲ و ص ۴۷۰ و ص ۴۸۰ و ص ۴۸۷

۳- بلومر معتقد است به این دلیل که جامعه و در نتیجه بهم پیوستگی کنش و تناسب متقابل آنها در فرایندی مستمر رخ می دهد، بناگیز در هر دوره ای و در هر مقطعی از زمان تأثیرات و آثار گذشته ی جامعه را در حالات موجود خود نشان می دهد. جامعه به نظر بلومر دارای ساختی ثابت و منظم و مستمر و تکراری است. این همان معنای ساخت اجتماعی است که ساخت گرا - کارکرد گرایی انسجامی و تضادی نیز سخت بدان توجه دارند، و کنش متقابل نمادی نیز ضمن تأکید سخت بر آن هیچگاه از تأکید نقطه نظرات تئوریک خود مبنی بر تفسیر گرایی غفلت نمی ورزد.

۴- در تأکید چشم انداز خود پیرامون اهمیتی که برای جامعه کنشمند و ساخت سازمانی و پیچیده جوامع قائل است، به نظر بلومر معانی مشترکی که مردم در جلوه های حیات اجتماعی خود بر آن توافق کرده اند موجب می شود که سلسله خطوط کنش خویش را آنچنان تنظیم و متناسب با یکدیگر کنند که میان کنش همگی آنها نوعی یکنواختی و همناختی حاکم شود.

۵- تأکیدات بلومر در چهار نکته ی فوق بسیار شبیه مکاتب ساخت گرا - کارکرد گرایی انسجامی و تضادی است، با این تفاوت که وی مفهوم کنش پیوسته، یا معانی مشترک توافق شده که محتوی اشکال ساختی در یک جامعه است را موضوع اصلی مطالعه و مهمترین جنبه واقعیت اجتماعی قلمداد می کند. ولی توجه و تأکیدات وی در پنجمین اصل مطالعات ساخت جامعه نشان دهنده و توجه و تأکیدات خاص وی بر اصول تفسیر گرایی و بویژه دیدگاه کنش متقابل گرایی نمادین که مکتب خود وی است، می باشد.<sup>۹</sup>

### **پویایی شناسی اجتماعی:**

---

<sup>۹</sup> همان - ص ۴۸۰ - ۴۷۹ - ۴۷۸

«بنابراین مراحل پویایی شناسی از نظر بلومر در دو مرحله عمومی رخ می دهد که جامعه ME که در دو جامعه ابتدایی و قرون وسطایی دیده می شود و دیگری جوامع (I) که در جوامع مبتنی بر جوامع سازمان یافته دیده می شود، بلومر مکانیسم این تغییرات را معمولاً در قالب خصائص جنبش های اجتماعی بیان می دارد، این جنبش ها می تواند حالت مسلحانه (انقلاب) یا غیر مسلحانه (اصلاح) و یا هر شکل دیگری به خود بگیرد.

بلومر جنبش های اجتماعی را عبارت از تشکل و گروه بندی آگاهانه و نمادی افراد در فرایند ساخت اجتماعی «پیش رونده» توصیف می نماید و معتقد است که سه نوع عمده جنبش ها را می توان از یکدیگر تفکیک کرد:

۱- جنبش های اجتماعی عام یا عمومی - نمونه ی این جنبش ها ، جنبش جوانان جنبش اجتماعی زنان و نهضت کارگران است که می تواند قرها، طبقات و گروهها و احزاب متفاوتی را در بر بگیرد، در جنبش زنان، مثلاً مفاهیم اصلی و اساسی خاص وجود دارد که ممکن است بسیاری از مردان را با خود همراه کند، برای مثال مسئله حقوق شهروندی زن، یعنی حقی عمومی که خیلی از مردان نیز ممکن است آن را بپذیرند یکی از مسائل عمومی نهضت است، به این معنا جنبش عام است، دوم اینکه نهضت و یا جنبش ضرورتاً در برابر نظام حاکم قرار نمی گیرند ممکن است در کنار هم قرار بگیرند.

۲- جنبش های اجتماعی خاص - این جنبش ها اولاً در یک منطقه خاصی اتفاق می افتد، بدین معنا در برابر جنبش های عام قرار می گیرد، یکی از معانی تقابل عام و خاص به همین خصلت منطقه ای بودن آن بر می گردد.

۳- جنبش های اجتماعی نمایشی - نمونه ی این گونه جنبش ها ، جنبش های مذهبی یا جنبش های مد گرایی و یا جنبش های هنری است.

تفاوت این جنبش ها با رفتار جمعی در این است که جنبش ها کاملاً نمادی و سمبولیت هستند و بر اساس سازمان شخصی قرار دارند. پس واکنش گردگشی در اینجا دیده نمی شود. اینها کنش پیوسته دارند و آگاهانه و مسئولانه می خواهند کاری را انجام دهند. این جنبش ها اساس تغییرات اجتماعی را به وجود می آورند. جنبش های اجتماعی از بدو شروع تا نهایت تکوین، می بایستی مکانیزمهای پنجگانه تکوینی را در خود تجربه کنند که عبارتند از انگیزش اجتماعی - تشکیل واحدهای پیوند دهنده - تعهد پیوستگی - ایدئولوژی و جهان بینی - تاکتیکهای عملیاتی این پنج مکانیزم به جنبش کمک می کند تا رشد نموده و سازمان یابد. چگونگی پویایی جنبش های اجتماعی و نیز پیشرفت، شکل و سازمان یافتگی هر جنبشی منوط به رشد متناسب و بجای این پنج مرحله می باشد.<sup>۱۰</sup>

### **مبانی و اصول نظریه کنش متقابل نمادین:**

«نظریه کنش متقابل نمادین بیش از هر یک از رویکردهای نظری دیگر به فرد فعال و خلاق اهمیت می دهد. مید ادعا می کند که زبان به ما اجازه می دهد به موجوداتی خود آگاه تبدیل شویم. یعنی آگاه از فردیت خویش، و کلید این دیدگاه نماد است. نماد چیزی است که نماینده

---

<sup>۱۰</sup> همان - ص ۵۰۴ - ص ۵۰۵ - ص ۵۰۸ - ص ۵۰۹ و ص ۵۱۰



چیزی دیگری است. طرفداران نظریه کنش متقابل نمادین استدلال می کنند که عملاً همه کنش های متقابل میان افراد انسانی متضمن تبادل نمادهاست.

هنگامی که ما در کنش متقابل با دیگران قرار می گیریم، دائماً در جستجوی سرنخهایی هستیم در مورد اینکه چه نوع رفتاری در آن زمینه مناسب است و اینکه چگونه آنچه را منظور دیگران است، تعبیر کنیم.

کنش متقابل نمادین توجه ما را به جزئیات کنش متقابل بین افراد جلب می کند، و اینکه چگونه از آن جزئیات برای فهمیدن آنچه دیگران می گویند و انجام می دهند استفاده می شود.<sup>۱۱</sup>

«به جای متمرکز شدن بر این که چگونه ساخت اجتماعی یا موقعیت اجتماعی علل رفتار افراد (یا رفتار فرد) می باشند، کنش متقابل نمادی بر طبیعت کنش متقابل اجتماعی دینامیکی که در میانه افراد اتفاق می افتد متمرکز است. واحد مطالعه در این نظریه ، کنش متقابل است که تصور فعال و مؤثر از انسان ارائه می دهد. در این کنش متقابل، جوامع ساخته می شود و افراد

---

<sup>۱۱</sup> گیدنز آنتونی - جامعه شناسی - ترجمه منوچهر صبوری - چاپ دهم - تهران: نشر نی ۱۳۸۲ - ص ۷۶۰

نیز متحول می گردند. کنش متقابل یعنی اینکه افراد در ارتباط با یکدیگر عمل می کنند و موجب ساختن عمل یکدیگر می گردند. کنش متقابل به منزله اعمال هر فرد در گذشت زمان مرتبط با یکدیگر در موقعیت های خاص است.

کنش متقابل صرفاً به منزله تأثیرپذیری از دیگران نیست، بلکه تأثیر و تأثر متقابل در جریان و زمان و موقعیت های گوناگون است. در این صورت یک عمل متحول در حال تغییر، مطرح است نه عمل ساده ای که در شرایط محیطی خاصی تحقق پذیرد.

نظریه کنش متقابل مبتنی بر پیش فرض دیگری است که کنشگر را مختار در انجام عمل می داند. کنشگر در انتخاب شیوه عمل آزاد می باشد، در این صورت عمل او غیر قابل پیش بینی است. بر خلاف برداشت هایی که انسان تحت تأثیر جامعه، طبیعت و تاریخ شکل داده می شود، انسان ساخته جامعه روابط و نمادهاست.<sup>۱۲</sup>

«برخی از نظریه پردازان کنش متقابل نمادین کوشیده اند تا اصول بنیادی این نظریه را برشمارند، این اصول عبارتند از:

۱- در کنش متقابل اجتماعی، انسانها معانی و نمادهایی را یاد می گیرند که به آنها اجازه می دهند تا استعداد متمایز انسانی شان را برای تفکر بکار اندازند.

---

<sup>۱۲</sup> آزاد ارمکی، تقی - نظریه های جامعه شناسی - چاپ دوم - انتشارات صدا و سیما - ۱۳۸۱ - ص ۲۴۰ و ۲۳۹.

۲- معانی و نمادها انسانها را قادر می سازند که کنش و کنش متقابل و متمایز انسانی را انجام دهند.

۳- استعداد تفکر با کنش متقابل اجتماعی شکل می گیرد.

۴- انسانها می توانند معانی و نادهایی را که در کنش ها و کنش های متقابل شان به کار می برند بر پایه تفسیری که از موقعیت می کنند، تعدیل یا تغییر دهند.<sup>۱۳</sup>

### **تفکر و کنش متقابل:**

«انسانها تنها یک استعداد کلی برای تفکر دارند. این استعداد باید در فراگرد کنش متقابل اجتماعی شکل گیرد و تهذیب شود. این نظر، نظریه پردازان کنش متقابل نمادین را به تأکید بر صورت خاصی از کنش متقابل اجتماعی، یعنی اجتماعی شدن، سوق داد. توانایی اندیشیدن

---

<sup>۱۳</sup> ریتز، جورج - نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر - ترجمه محسن ثلاثی - چاپ چهارم - تهران: انتشارات علمی - ۱۳۷۹ - ص ۲۸۲ و ۲۸۱

انسان، در دوره اولیه اجتماعی شدن در کودکی پرورش می یابد و در دوره بعدی اجتماعی شدن در بزرگسالی تهذیب می شود.

نظریه پردازان کنش متقابل نمادین از فراگرد اجتماعی شدن برداشتی متفاوت از آن بیشتر جامعه شناسان دارند. به نظر آنها، جامعه شناسان متعارف احتمالاً اجتماعی شدن را صرفاً فراگردی می انگارند که انسانها از طریق آن چیزهایی را یاد می گیرند که برای بقا در جامعه نیاز دارند، اما از دیدگاه نظریه پردازان کنش متقابل نمادین اجتماعی شدن فراگرد پویاتری به شمار می آید که به انسانها اجازه می دهد تا توانایی اندیشیدن شان را پرورش دهند و به شیوه های متمایز انسانی بیندیشند. بلکه عموماً به بررسی کنش متقابل که به نوبه خود اهمیت تعیین کننده ای دارد نیز علاقه دارند. کنش متقابل فراگردی است که از طریق آن توانایی اندیشیدن هم پرورش می یابد و هم متجلی می گردد. نه تنها کنش متقابل در دوران اجتماعی شدن، بلکه همه انواع این کنش، توانایی اندیشیدن ما را تهذیب می کنند. از این گذشته، تفکر فراگرد کنش متقابل، کنشگران باید دیگران را در نظر گیرند و بسنجند که آیا فعالیت‌هایشان به فعالیت‌های دیگران همخوانی دارد یا نه و در صورت منفی، چگونه این فعالیت‌ها را با فعالیت‌های دیگران تطبیق دهند.

نخستین کنش، کنش متقابل غیر نمادین - همان گفتگوی اداهای مورد نظر مید است که به تفکر نیاز ندارد. اما کنش دوم، کنش متقابل نمادین است که مستلزم فراگردهای ذهنی است. اهمیت تفکر برای نظریه پردازان کنش متقابل نمادین، در نظرهای آنها راجع به شناخته ها منعکس است و افراد طی فراگرد اجتماعی شدن، معانی شناخته ها را یاد می گیرند.<sup>۱۴</sup>

---

<sup>۱۴</sup> ریتزر، جورج - نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر - ترجمه محسن ثلاثی - چاپ چهارم - انتشارات علمی - ۱۳۷۹ ص ۲۸۳ و ۲۸۲

## یادگیری معانی و نمادها:

«نظریه پردازان کنش متقابل نمادین ، به پیروی از مید، برای کنش متقابل اجتماعی اهمیت علی قایلند. بدین سان که معنا نه از فراگردهای ذهنی بلکه از فراگرد کنش متقابل بر می خیزد. این تأکید آنها از عملگرایی مید سرچشمه می گیرد: مید نه بر فراگردهای ذهنی جداگانه ، بلکه بر کنش واکنش متقابل انسانی تأکید می ورزید. آنها عموماً همین جهت را دنبال کردند. مسأله اصلی این نظریه پردازان آن نیست که انسانها چگونه معانی و نمادها را از نظر ذهنی ایجاد می کنند، بلکه بیشتر به این قضیه می پردازند که آنها چگونه طی کنش متقابل به گونه عام و اجتماعی شدن به گونه خاص این معانی و نمادها را یاد می گیرند.

انسانها نمادها و معانی را طی کنش متقابل اجتماعی فرا می گیرند. در حالی که آدمها در برابر نشانه ها بدون تفکر واکنش نشان می دهند، اما در برابر نمادها به شیوه ای متفکرانه ، عکس العمل نشان می دهند.

نظریه پردازان کنش متقابل نمادین زبان را نظام گسترده ای از نمادها می دانند. واژه ها نمادند. چون که به جای چیزهای دیگر به کار برده می شوند. واژه ها همه نمادهای دیگر را امکان پذیر می سازند. اعمال، اشیاء و چیزهای دیگر تنها برای آن وجود و معنا دارند که می توان آنها را از طریق کاربرد واژه ها توصیف کرد.

نمادها از این جهت تعیین کننده اند که به انسانها اجازه می دهند تا به شیوه های انسانی عمل کنند. انسانها به خاطر وجود نمادها در برابر واقعیتی که خودش را نشان می دهد انفعالی واکنش نشان نمی دهند، بلکه جهانی را که در آن عمل می کنند، فعالانه ایجاد و باز ایجاد می کنند. نمادها به طور عام و زبان به طور خاص، فزون بر این فایده کلی ، چندین کارکرد خاص دیگر برای کنش گر دارد.

- ۱- نمادها انسانها را قادر می سازند که از طریق نامگذاری، طبقه بندی و یادآوری چیزهایی که در جهان با آنها روبرو می شوند، با جهان مادی و اجتماعی برخورد کنند.
- ۲- نمادها توانایی انسان را برای درک محیط بهبود می بخشند.
- ۳- نمادها توانایی اندیشیدن را بهبود می بخشند. از این دیدگاه، تفکر را می توان به عنوان کنش متقابل نمادین انسان با خود خویش در نظر گرفت.
- ۴- نمادها توانایی حل مسائل گوناگون را بالا می برند.
- ۵- کاربرد نمادها به کنشگران اجازه می دهد تا از زمان، و حتی شخص خودشان فراگذرند. کنشگران با کاربرد نمادها می توانند درباره چگونگی زندگی در گذشته و یا در آینده تخیل کنند.
- ۶- نمادها نمی گذارند انسانها اسیر محیطشان شوند. انسانها از این طریق می توانند به جای منفعل بودن فعال گردند، یعنی در اعمالشان متکی به خود باشند.<sup>۱۵</sup>

### **نظرات هربرت بلور:**

«پروفسور بلومر با پذیرفتن اصول اساسی کار جرج مید بر آن شد تا نظام فکری خود را روشنتر بیان کند. از نظر بلومر، واکنش افراد انسانی در مقابل اشیاء بر اساس معنای آنها صورت می گیرد. ولی کنش متقابل را بر سه قضیه ساده متکی می داند:

---

<sup>۱۵</sup> همان - ص ۲۸۵ - ص ۲۸۴.

۱- افراد انسانی همه در مقابل اشیاء و موضوعات هر چیزی را که در جهان مورد ملاحظه و توجه قرار می گیرند، شامل می شوند.

۲- معنی اشیاء از کنش متقابل سرچشمه می گیرد.

۳- معانی مذکور در جریان کنش و برخورد فرد با چیزها مورد تعبیر و تفسیر قرار گرفته، تغییر می کند.

از نظر بلومر معنا که در عل و م کمتر مورد توجه قرار گرفته است، تنها رابطه میان رفتار و عوامل تولید کننده رفتار است. در تبیین روان شناسی بیشتر تأکید بر محرکها، انگیزه ها و گرایشهاست و در تبیین جامعه شناختی تأکید بر عواملی چون وضعیت اجتماعی، فرهنگی، هنجارها، فشارها و غیره، به هر حال در هر دو تبیین معنای اشیاء برای فردی که کنش را انجام می دهد، تحت الشعاع عوامل مذکور است و رفتار وی با عوامل فوق بررسی می شود. اما در کنش متقابل نمادی، معنا برای افراد جنبه شخصی دارد و مخصوص به خود آنهاست. نادیده گرفتن معنای اشیاء که در واقع عامل کنش و واکنش انسانهاست، مطالعه واقعی رفتار انسانی را مخدوش می کند.

بلومر معتقد است که در بررسی رفتار فرد بر اساس معنای شیء دو نظر متمایز وجود دارد که هر دو با دیدگاه کنش متقابل نمادی متفاوتند.

اهمیت بنیادی پدیده ایما و اشاره، در تحول آگاهی از معنا نهفته است ... ایماهای مشخص نمی تواند به صورت مستقیم و بی واسطه معنی دار گردد. بلکه ایماهایی که توسط فرد در دیگران برانگیخته می شود، مرکز و کانون توجه می باشند.

این ایماها با محتوای احساسات و نگرش فرد یکی می شوند. تنها از طریق پاسخ است که آگاهی از معنا ظاهر می شود.

بنابراین از دید کنش متقابل نمادی معنا در واقع یک تولید اجتماعی است که ساخته و پرداخته فعالیتها و کنش های معنادار دیگران در برخورد با شیء است. اما باید بدانیم که کاربرد یک معنا توسط فرد عیناً و دقیقاً همان معنایی نیست که از کنش متقابل اجتماعی حاصل می شود، بلکه همانطور که گفته شد، متضمن یک جریان تفسیر و تعبیر است.<sup>۱۶</sup>

«بلومر مدعی است هر چند که اندیشه او مبتنی بر اندیشه هربرت مید است، ولی اساس مشارکت او در این دیدگاه، رفع کمبودها و طرح بسیاری از ایده هاست که به طور ضمنی در اندیشه مید ناتمام مانده است. بلومر روشنگر و تفسیر کننده اصطلاح کنش متقابل می باشد.

او اشاره کرده است که: مبانی و طبیعت کنش متقابل و سپس تعیین اصول مؤثر روش شناسی در مورد علم تجربی و در نهایت بحث در مورد موقعیت روش شناسی، کنش متقابل است.

طبیعت کنش متقابل از نظر بلومر مبتنی بر سه قانون است. قانون اول: انسان به سوی اموری عمل می کند که معانی خاصی برایشان دارد. قانون دوم: معنی امور از کنش متقابل اجتماعی که یک شخص با دیگران دارد، اخذ می شود. سومین قانون: معانی از طریق جریان تفسیری که خود در اثر مقابله با امور استفاده می کند، بدست می آیند.

او همچنین بر اساس قاعده سوم اشاره کرده است که معانی چیزها بر اساس متن کنش اجتماعی شکل داده می شود و به واسطه افراد در کنش متقابل اخذ می گردد. آنچه بلومر در این بحث اضافه کرده است، استفاده معانی توسط کنشگر از طریق جریان تفسیر حاصل می شود. تصور اساسی و ریشه ای به چندین موضوع عمده بر می گردد:

---

<sup>۱۶</sup> توسلی، غلام عباس - نظریه های جامعه شناسی - چاپ هفتم - تهران، انتشارات سمت - ۱۳۷۹ ص ۳۱۸ و ۳۱۷



۱- گروه‌های انسانی یا جوامع ۲- کنش متقابل اجتماعی ۳- موضوعات و واقعیت‌ها ۴- انسان به مثابه کنشگر، کنش انسانی و ارتباط بین کنشگران.

از نظر بلومر توجه به مورد فوق ماهیت نظریه کنش متقابل نمادی را روشن می‌سازد. بلومر در مورد طبیعت زندگی انسانی اشاره دارد که موجودیت آنها در کنش و بر اساس کنش است. بلومر در مورد دومین نکته طبیعت کنش متقابل اجتماعی، اشاره دارد که گروه انسانی یا جامعه از کنش افراد با یکدیگر تشکیل شده است. اساس جامعه بر کنش بین افراد بر می‌گردد. کنش اجتماعی ابزار هدایت و راهنمای انسانی نیست بلکه جریانی است که به جهت‌گیری انسانی می‌انجامد. مید به دو نوع کنش متقابل: ۱- گفت و گو مبتنی بر ایما و اشاره‌ها و ۲- استفاده از سنبل‌های مهم اشاره کرده است. بلومر کنش متقابل را به دو صورت دیگر بازگو کرده است: ۱- کنش متقابل غیر نمادی از قبیل پاسخ یک مشت زن در مقابل ضربه‌ای که خورد بدون تفسیر عمل طرف مقابل ۲- کنش متقابل نمادی که به معنای کنش متقابل توأم با تفسیر عمل دیگری است.»<sup>۱۷</sup>

### نقد و نظر:

«بر دیدگاه کنش متقابل نمادی ایرادهای فراوانی نیز وارد شده است که می‌توان آنها را در موارد زیر خلاصه کرد: در درجه اول و از همه مهمتر اینکه در تجزیه و تحلیل‌های متکی بر فرد، ساختهای جامعه عملاً نادیده گرفته می‌شوند، در حالی که در این شیوه کار، نهادهای جامعه

---

<sup>۱۷</sup> آزاد ارمکی، تقی - نظریه‌های جامعه‌شناسی - چاپ دوم - تهران: انتشارات صدا و سیما - ۱۳۸۱ - ص ۲۴۳ و ص ۲۴۲

ممکن است پشتوانه کنش متقابل تلقی شوند، لیکن نظام جامعه و ساختهای موجود و قدرت سیاسی آن، موجودیتی محو و غیر ملموس دارند. پس این ایراد بیشتر به دیدگاه کنش اجتماعی وارد است که به ساخت اجتماعی و سلسله مراتب قدرت و تضاد درون گروهی توجه کمی مبذول داشته است.

ثانیاً به نظر می رسد که کنش متقابل نمادی بیش از اندازه بر درجه آگاهی و تسلط ارادی بر محیط تأکید دارد.<sup>۱۸</sup>

«انتقاد دیگر این است که جریان اصلی نظریه کنش متقابل نمادین، فنون علمی متعارف را بیش از حد ندیده گرفته است و بسیاری از جامعه شناسان دیگر ابهام مفاهیم اساسی مید، مانند ذهن، خود، را مورد انتقاد قرار داده اند. بسیاری از مفاهیم بنیادی نظریه کنش متقابل را مورد انتقاد قرار داده اند، بسیاری از مفاهیم بنیادی نظریه کنش متقابل را به خاطر آشفتگی و عدم دقت مورد انتقاد قرار داده اند زیرا که می گویند این چشم انداز به همین دلایل نمی تواند مبنای استواری را برای نظریه و تحقیق فراهم آورد.

انتقاد دیگر از این نظریه این است که ساختارهای گسترده تر را ندیده می گیرد و به چشم و پشی از ساختارهای اجتماعی پهن دامنه گرایش دارد.<sup>۱۹</sup>

«بلومر از نقد و بررسی آرای هربرت مید به توسعه نظریه کنش متقابل پرداخته است. بلومر مدعی است که نظریه مید دارای اشکالاتی چند است:

---

<sup>۱۸</sup> توسلی، غلام عباس - نظریه های جامعه شناسی - چاپ هفتم - تهران: انتشارات سمت - ۱۳۷۹ - ص ۳۲۸ و ۳۲۷

<sup>۱۹</sup> ریتزر، جورج - نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر - ترجمه محسن ثلاثی - چاپ چهارم - انتشارات علمی - ۱۳۷۹ - ص ۳۰۷ و ص ۳۰۶

۱- تصویر دقیقی از اجتماع انسانی ارائه نداده است. زیرا او بیشتر متأثر از فلسفه می باشد و دیدگاه او بیشتر فلسفی است تا جامعه شناختی.

۲- مید در پی بیان این نکته بوده است که زندگی گروه انسانی ذاتاً شرطی برای ایجاد آگاهی، ذهن واقعیت و بشریت می باشد. او بر اساس تأثیرپذیری از سنت های فلسفی در مقام بیان تقدم موجودیت ذهن بوده است. بنابراین او توان ارائه دیدگاه تئوریکی از اجتماع انسانی را نداشته است.

از نظر بلومر مید علاوه بر آن که خود را ایجاد کرده است. در شناخت خود چون حاصل کنش اجتماعی و انسانیت غفلت ورزیده است.<sup>۲۰</sup>

### نتیجه گیری:

بطور خلاصه کنش متقابل نمادی بر اهمیت ارتباط نمادین یعنی انواع اداهای، اطوارها و نمادها، و مهمتر از همه زبان تأکید دارد و دیدگاه کنش متقابل نمادی نیز پیرامون مفاهیم اساسی که

---

<sup>۲۰</sup> آزاد ارمکی، تقی - نظریه های جامعه شناسی - چاپ دوم، تهران: انتشارات صدا و سیما - ۱۳۸۱ - ص ۲۴۶

مانند خود، رفتار، کنش، نماد (سمبل)، معنی، طبیعت ... بحث می کند که ممتزین نظریه پردازان کنش متقابل نمادی جورج هربرت مید و هربرت بلومر می باشند.

و مهمترین مسأله مورد توجه مید رابطه میان فراگردهای ذهنی، کنش و کنش متقابل بود. انسانها طی کنش متقابل اجتماعی، معانی و نمادها را یاد می گیرند و به وسیله آنها ظرفیت تفکرشان را که مختص انسان است به کار می اندازند.

معانی و نمادها به انسانها اجازه می دهند تا کنش و کنش متقابل منحصرأ انسانی شان را انجام دهند.

بنابراین برای درک کنش متقابل نمادی، پژوهشگران می باید هم فعالیتهای قابل مشاهده و هم فعالیتهای غیر قابل مشاهده (مثل افکار) مردم را مطالعه کنند.

انسان از طریق کنش متقابل نمادها را آموخته و با کمک آنها بین خود و سایر افراد ارتباط برقرار می کند و با برقراری این ارتباط آنچهرا که کنش متقابل نمادی جامعه می نامند، می سازد و نظریه کنش متقابل نمادین تفکر و نگرشی به جامعه ای است که از درون دارای یک رشته کنش و واکنش متقابل است.

و عقیده بلومر این بود: «مردم هستند که رفتار خود را تعریف می کنند نه نیروهای بزرگ» و در پایان می توان نتیجه گرفت که در نظریه کنش متقابل نمادین جامعه چیزی بیش از مجموع همین افکار، کنش ها و واکنش ها نیست. جامعه از ساختهای اجتماعی در سطح وسیع شکل نگرفته است، جوهر و ذات جامعه از کنشها و واکنشهای بشر نشأت می گیرد.

**منابع و مأخذ:**

۱- آزاد ارمکی ، تقی - نظرهای جامعه شناسی - چاپ دوم - تهران: انتشارات صدا و سیما،

۱۳۸۱

۲- تنهایی، حسین ابوالحسن - درآمدی به مکاتب و نظریه های جامعه شناسی - چاپ سوم -

نشر مرندیز - ۱۳۷۷

۳- توسلی، غلام عباس - نظریه های جامعه شناسی - چاپ هفتم - انتشارات سمت - ۱۳۷۹

۴- گیدنز، آنتونی - جامعه شناسی - ترجمه منوچهر صبوری - چاپ دهم - تهران: نشر نی -

۱۳۸۲

۵- ریتزر، جورج - نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر - ترجمه محسن ثلاثی - چاپ

چهارم - تهران: انتشارات علمی - ۱۳۷۹

۶- استونز ، راب - متفکران بزرگ جامعه شناسی - ترجمه مهرداد میردامادی - چاپ دوم

۱۳۸۱ - تهران نشر مرکز